

## حاشیه ابن ادریس بر صحیفه سجادیه

مجید غلامی جلیسه \*

**چکیده:** نویسنده در این گفتار، حاشیه محمد بن ادریس حلّی، فقیه شیعی نامدار قرن ششم هجری بر صحیفه سجادیه را به عنوان نخستین شرح لغوی صحیفه که به دست ما رسیده، می‌شناساند. این حاشیه مختصر، بیشتر به لغات صحیفه پرداخته و در راستای اهتمام ابن ادریس به تحقیق و ترویج صحیفه ارزش دارد. نویسنده، شرح حال ابن ادریس، سند روایتی او، راویان نسخه او از صحیفه، روش ابن ادریس در این حاشیه را - براساس تنها نسخه خطی شناخته شده از این کتاب - تبیین کرده و شرح دو دعای صحیفه را به عنوان نمونه‌ای از کتاب نقل کرده است.

**کلید واژه‌ها:** صحیفه سجادیه، شروح / ابن ادریس حلّی، محمد / راویان صحیفه سجادیه، قرن ششم / فقهای شیعه امامیه، قرن ششم / صحیفه ابن ادریس، راویان / شروح صحیفه سجادیه، مخطوطات.

### ۱ - مقدمه :

صحیفه سجادیه به عنوان یک مجموعه مؤثر، همواره مورد توجه عالمان بوده و هست، کتابت فراوان و نگارش صدها شرح و ترجمه و اجازه روایتی بر این کتاب، خود

\* - نسخه‌شناس، مدیر سایت نسخه‌شناسی بیاض [www.Bayaz.net](http://www.Bayaz.net)

حکایت از اهتمام عالمان به حفظ و شناسایی و معرفی این مجموعه گرانقدر دارد. در نگاهی اجمالی به شروح صحیفه، می‌توان گونه‌ای از این شروح را صرفاً لغوی نامید که مؤلفان آنها با توجه به اهمیت فهم دقیق این کتاب ارزشمند، اقدام به نگارش این نوع از شروح پرداخته‌اند و این در حالی است که دیگر شارحان این کتاب نیز، عنایت خاصی به توضیح و تفسیر لغات آن داشته‌اند. شرح‌هایی که مستقلاً به مباحث لغوی پرداخته‌اند و گزارش آن به دست ما رسیده، به قرار زیر است.

- ۱) حاشیة علی الصحیفة الکاملة / محمد بن احمد بن ادريس حلی (۵۹۸ق)<sup>(۱)</sup>
- ۲) تعليقات علی الصحیفة السجادية / مولی محسن فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ق)<sup>(۲)</sup>
- ۳) حل لغات الصحیفة السجادية / محمد باقر بن محمد شفیع حسینی منجم (بعد از ۱۱۲۰ق)<sup>(۳)</sup>
- ۴) لغات صحیفة / محمد عبدالباقی<sup>(۴)</sup>
- ۵) تبيان اللغة / میرزا محمد علی بن محمد نصیر مدرس گیلان چهاردهی (م ۱۳۳۴ق)<sup>(۵)</sup>



- ۱- تنها یک نسخه از این شرح شناسایی شده است که توضیح و تفصیل آن خواهد آمد.
- ۲- این شرح در سال ۱۳۱۷ قمری به خط زین العابدین محمد قمی، در حاشیه نورالانوار به همراه حاشیه میرداماد بر صحیفه و حدیقه هلالیه، به صورت سنگی در ۲۹۸ ص در تهران به چاپ رسیده است. بعد از آن در سال ۱۴۰۷ قمری با تحقیق مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث در ۱۲۶ ص توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به چاپ رسیده است. از این شرح نسخه‌های خطی فراوانی موجود است. رک: شروح و ترجمه‌های صحیفه سجادية، ص ۵۰.
- ۳- این شرح در سال ۱۳۷۸ ش با تحقیق قیس عطار در ۲۶۴ ص، توسط انتشارات تاسوعا در مشهد به چاپ رسیده است. تاکنون سه نسخه خطی از این شرح شناخته شده است. رک: همان، ص ۸۲.
- ۴- تاکنون یک نسخه خطی از این کتاب شناسایی شده است. رک: شروح و ترجمه‌های صحیفه سجادية، ص ۱۸۴.
- ۵- نسخه منحصراً به فرد این رساله در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۶۱۱۰ و به خط مؤلف موجود است. این شرح بزودی با تصحیح و تحقیق اینجانب در سلسله‌ی کتب میراث حدیث شیعه به چاپ خواهد

در میان این شروح، نخستین قدیمی‌ترین شرح لغوی که به دست ما رسیده، شرحی است که ابن ادریس نگاشته است که از جهات مختلف مورد اهمیت و دقت نظر می‌نماید. در این مجال، به بررسی اجمالی این رساله خواهیم پرداخت.

## ۲ - مؤلف رساله:

فخرالدین أبو عبد الله محمد بن منصور بن احمد بن ادریس عجللی حلی (ح ۵۴۳-۵۹۸ق) از فقیهان بزرگ امامیه بوده است. از مشایخ وی، می‌توان از بزرگانی چون سید أبوالمکارم حمزة بن علی بن زهرة الحلبي<sup>(۱)</sup>، عماد الدین محمد بن أبی القاسم طبری<sup>(۲)</sup>، عربی بن مسافر عبادی<sup>(۳)</sup>، حسین بن هبة الله بن رطبة سوراوی<sup>(۴)</sup>، عبدالله بن جعفر دوریستی<sup>(۵)</sup>، ابوالحسن علی بن ابراهیم العریضی<sup>(۶)</sup> و سید شرفشاه الأفضسی<sup>(۷)</sup> نام برد. شهرت ابن ادریس به شکستن سنت تقلید از آراء شیخ طوسی در مسائل فقهی است و صفدی وی را در فقه عدیم النظیر دانسته است. از جمله شاگردان وی، می‌توان به محی الدین محمد بن عبدالله بن علی بن زهره<sup>(۸)</sup>، شمس الدین فخر بن معد بن فخر الموسوی الحائری<sup>(۹)</sup>،<sup>(۱۰)</sup>، محمد بن نما الحلبي<sup>(۱۱)</sup>، ابوالحسن علی بن

رسید. درباره آن بنگرید به مقاله استاد محمد وفادار مرادی در سفینه، شماره ۶.

- ۱- بحارالانوار: ۱۵۸ / ۱۰۵. ۲- ریاض العلماء: ۵ / ۳۲.
- ۳- بحارالانوار: ۱۵۵ / ۱۰۴ و ۱۵۶ و ۱۵۸ و ۱۶۰ و ۱۹۷، ۱۰۵ / ۱۱۱؛ روضات الجنات: ۶ / ۲۷۷.
- ۴- بحارالانوار: ۱۵۸ / ۱۰۴ و ۱۸۹ و ۱۰۶ / ۳۰ و ۳۷؛ ریاض العلماء: ۵ / ۳۲.
- ۵- بحارالانوار: ۱۵۵ / ۱۰۴ و ۱۵۶ و ۱۶۰ و ۱۰۶ / ۴۱. ۶- همان: ۳۵ / ۱۱۲.
- ۷- همان: ۱۵۵ / ۱۰۴ و ۱۵۶. ۸- ریاض العلماء: ۵ / ۱۱۴؛ مقباس الأنوار: ۱۱.
- ۹- الأربعون حدیثا (شهید اول): ۸۱؛ المحتصر: ۸؛ بحارالانوار: ۱۹۷ / ۱۰۴؛ أمل الامل: ۲ / ۲۱۴.
- ۱۰- بحارالانوار: ۱۰۴ / ۷۹ و ۱۰۶ / ۱۷ و ۱۸ و ۳۰.
- ۱۱- برای اطلاع از روایت‌هایی که محمد بن نما از ابن ادریس نقل کرده است. رک: فرحة الغری: ۷۷ و ۱۰۷ و ۱۱۳؛ بحارالانوار: ۴۲ / ۲۱۸، ۱۰۴ / ۱۹۰ و ۱۹۷ و ۲۲۴، ۱۰۵ / ۴۵ و ۱۱۱ و ۱۰۶ / ۳۷.

یحیی خیاط السوراوی<sup>(۱)</sup>، سدید الدین ابی العباس احمد بن مسعود الاسدی<sup>(۲)</sup>،  
 عمران بن موسی<sup>(۳)</sup> و یحیی بن سعید<sup>(۴)</sup> نام برد.  
 از آثار وی می‌توان به کتاب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی<sup>(۵)</sup>، النوادر (مستطرفات  
 السرائر)<sup>(۶)</sup> منتخب تبیان شیخ طوسی<sup>(۷)</sup>، حاشیه بر تبیان<sup>(۸)</sup>، رساله در تکلیف<sup>(۹)</sup>،  
 رساله در مضایقه و مواسعه<sup>(۱۰)</sup>، اجوبه مسائل<sup>(۱۱)</sup>، رساله در تتمیم آب قلیل به کر<sup>(۱۲)</sup>،  
 رساله در معنی ناصب، مناسک، شرح الصحیفة<sup>(۱۳)</sup> نام برد.

### ۳ - صحیفه سجادیة ابن ادريس:

ابن ادريس اهتمام فوق‌العاده‌ای در شناسایی و نگهداری و استنساخ کتب شیعی

- ۱- بحارالانوار: ۱۰۴ / ۱۳۵، ۱۰۶ / ۲۲ و ۲۸.
- ۲- الاربعون حدیثا (شهید اول): ۲۱ و ۳۵ و ۵۹.
- ۳- الملاحم و الفتن: ۲۲۱.
- ۴- الاربعون حدیثا (شهید اول): ۴۶.
- ۵- هدیه العارفين: ۲ / ۱۰۵؛ كشف الحجب و الاستار: ۳۰۸؛ الذریعة: ۱۲ / ۱۵۵.
- ۶- این کتاب به تحقیق و نشر مؤسسه امام مهدی در سال ۱۴۰۸ قمری در قم به چاپ رسیده است.
- ۷- اسماعیل پاشا از رساله‌ای با نام تعلیقات التبیان نام برده است. رک: هدیه العارفين: ۲ / ۱۰۵.
- ۸- مرحوم آقا بزرگ تهرانی بنا بر نقل قول شیخ حر عاملی تأکید می‌کند که حاشیه بر تبیان شیخ طوسی کتابی غیر از مختصر التبیان وی می‌باشد. رک: الذریعة: ۶ / ۳۱، ۲۰ / ۱۸۴، ۲۲ / ۴۴۰.
- ۹- نسخه خطی: ملی: ۳۶۷ / ۸.
- ۱۰- آقا بزرگ تهرانی عنوان کتاب را این‌گونه بیان می‌دارد: «خلاصة الاستدلال فی الموسعة و المضایقة» و می‌گوید: این عنوان را شهید در کتاب غایة المراد ذکر کرده است. رک: الذریعة: ۷ / ۲۱۱. آقا بزرگ تهرانی در جای دیگر، از کتابی با نام «مختصر فی المضایقة» یاد می‌کند و نسخه‌ای از آن نیز می‌شناساند. رک: الذریعة: ۲۰ / ۱۷۵، ۲۱ / ۱۳۴، ۲۳ / ۲۲۳.
- ۱۱- اسماعیل پاشا نسخه‌ای با نام اجوبه المسائل در ایضاح المکنون: ۱ / ۲۷ و نسخه‌ای دیگر با نام اجوبه المسائل در ایضاح المکنون: ۱ / ۲۸ و هدیه العارفين: ۲ / ۱۰۵ شناسانده است. آقا بزرگ در الذریعة می‌گوید که این کتاب را جعفر بن احمد بن قمریوه الحائری شاگرد ابن ادريس در سال ۵۸۸ قمری گرد آورده است. رک: الذریعة: ۲۰ / ۳۳۰.
- ۱۲- الذریعة: ۲۰ / ۳۸۴.
- ۱۳- همان: ۱۳ / ۳۵۸.

داشت. استنساخ کتاب‌هایی چون قرب الاسناد حمیری، مصباح المتهجد شیخ طوسی، رجال شیخ طوسی، کتاب سکونی، الجوهر فی الفروع ابن براج و معدن الجواهر علامه کراجکی، و در نهایت استنساخ صحیفه‌ی سجادیه از جمله کتاب‌هایی است که اطلاع از استنساخ آنها به دست ابن ادریس به ما رسیده است.

دقت نظر، تسلط به علوم مختلف اسلامی خاصه لغت و ادب عربی، اطمینان خاصی به علمای بعد از وی در استناد به آثار کتابت شده توسط وی داده است.

ابن ادریس خود در باب مقابله صحیفه نگاشته‌ی خود اینگونه آورده است:

«بلغ العرض بأصل خبر الموجود و بذل فيه الجهد و الطاقة إلا ما زاغ عنه النظر و حسر

عنه البصر» (۱)

دو نکته‌ی قابل توجه در این سخن ابن ادریس به چشم می‌خورد: اول آنکه ابن ادریس در مقابله‌ی صحیفه‌ی سجادیه، بهترین نسخه از صحیفه را به دست آورده و آنگاه نسخه‌ی خود را با آن مقابله کرده است. دیگر اینکه تمام سعی و اهتمام خود را در مقابله به کار بسته است، مگر آنکه خطایی سهواً در این میان اتفاق افتاده باشد.

بعدها همین نسخه‌ی ابن ادریس مورد توجه سدیدالدین علی بن احمد الحلّی قرار گرفت و نسخه‌ای از صحیفه را که از روی صحیفه‌ی علی بن السکون در ذی الحجة سال ۶۴۲ قمری نگاشته بود با نسخه‌ی ابن ادریس در ذی القعدة سال ۶۵۴ قمری مقابله کرد و رمز نسخه‌ی ابن ادریس را سین و خ س قرار داد.

أبو عبدالله محمد بن مکی (شهید اول) نیز نسخه‌ای از روی نسخه‌ی سدیدالدین علی بن احمد الحلّی در تاریخ یازدهم شعبان ۷۷۲ قمری کتابت کرد. (۲) بعد از وی نیز شمس‌الدین محمد بن علی الجبعی جد شیخ بهائی نسخه‌ای از روی نسخه‌ی محمد بن مکی نگاشته است. (۳)

۱- بحارالانوار: ۱۰۵ / ۱۳۴؛ الصحیفة السجادیة الجامعة: ۶۴۳.

۲- بنگرید به مقاله «نسخه شهید اول از صحیفه» نوشته حجة الاسلام سید حسن موسوی بروجردی در سفینه شماره ۷.

۳- بحارالانوار: ۱۰۴ / ۲۱۱؛ الرسائل الرجالیة: ۲ / ۴۵۶؛ الصحیفة السجادیة الجامعة: ۶۴۳. نیز بنگرید به مقاله

علامه‌ی مجلسی نیز نسخه‌ی صحیفه‌ی شمس‌الدین محمدبن علی الجبعی را به دست آورده و آن را استنساخ کرد و مورد استفاده قرار داد.

## ع - سلسله سند روایت صحیفه ابن ادريس:

ابن ادريس به سه طریق صحیفه سجادیه را روایت می‌کند:

### طریق اول:

به نقل از عربی بن مسافر العبادی الحلی، از شاگردان ابو علی طوسی (مانند الیاس بن هاشم)، از بهاء‌الشرف<sup>(۱)</sup>

### طریق دوم:

به نقل از ابو علی طوسی (مفید ثانی)، از پدرش شیخ الطائفة محمدبن الحسن طوسی.

مولی محمد تقی مجلسی، در باب نقل ابن ادريس از ابوعلی (ابن الطوسی) می‌نویسد:

---

«عالمان صحیفه نگار» نوشته حجة الاسلام ابوالفضل حافظیان در سفینه شماره ۷.

۱ - شیخ حر عاملی در امل الآمل: ۲ / ۱۶۹ آورده است که ابن مسافر صحیفه را از بهاء‌الشرف روایت کرده است. این طریق روایت در سلسله سند روایت صحیفه نجم‌الدین جعفر بن محمد بن جعفر بن هبة‌الله بن نما نیز آمده است. رک: الصحیفه السجادیة الجامعة: ۶۳۶. البته ابن مسافر در برخی از اساتید، صحیفه را از شیخ الیاس حائری به نقل از حمزة بن شهریار و به نقل از ابوعلی روایت نموده است. رک: الصحیفه السجادیة الجامعة: ۶۱۲. در برخی از اسانید نیز تنها به نقل از شیخ الیاس حائری به نقل از ابو علی روایت شده است. رک: الصحیفه السجادیة الجامعة: ۶۶۲ و ۶۶۳. همچنین ابو الحسن علی بن الخیاط نیز از عربی بن مسافر صحیفه را نقل کرده است. رک: الصحیفه الجامعة: ۶۳۶ و ۶۳۷ و ۶۵۸ و ۶۶۴. از دیگر اشخاصی که صحیفه را از ابن عربی روایت کرده‌اند می‌توان به محمد بن صالح، محمد بن ابی البرکات الصنعانی، علی بن ثابت السواری و السید محبی الدین محمد بن عبدالله بن زهرة نام برد. رک: الصحیفه السجادیة الجامعة: ۶۶۲ و ۶۶۴.

مشهور در اسانید، این است که یک یا دو واسطه در روایت ابن ادريس از ابوعلی وجود دارد؛ اما این نیز ممکن است که ابن ادريس در سن پایین، صحیفه را از ابوعلی شنیده باشد و روایات با واسطه، مربوط به دوران کهنسالی او باشد.<sup>(۱)</sup>

### طریق سوم:

علامه مجلسی در ذکر سند روایت خود از صحیفه آورده است که ابن ادريس: از شیخ ابو القاسم محمد بن ابی القاسم الطبری، از شیخ اجل ابوعلی الحسن، از پدر شیخ الطائفة محمد بن الحسن الطوسی صحیفه را نقل کرده است.<sup>(۲)</sup>

### ۵- راویان صحیفه ابن ادريس:

اشخاصی که به نقل روایت صحیفه سجادیه از ابن ادريس پرداخته‌اند، عبارتند از:

(۱) سید عبدالله بن زهرة الحلبي<sup>(۳)</sup>

علامه مجلسی در بحارالانوار ۱۱۰ / ۴۳ در باب ذکر اسناد روایت خود از صحیفه سجادیه آورده است که عبدالله بن زهرة از ابن ادريس و عمید الرؤسا هبة الله بن أحمد بن ایوب و علی بن السکون، صحیفه را روایت کرده است<sup>(۴)</sup>

البته ابن زهرة، صحیفه را از محمد بن شهر آشوب المازندرانی و شاذان بن جبرئیل القمی نیز روایت کرده است.<sup>(۵)</sup>

(۲) سید فخار<sup>(۶)</sup>

وی همچنین صحیفه را از علی بن یحیی الخياط<sup>(۷)</sup>، عمید الرؤسا<sup>(۸)</sup>، محمد بن صالح<sup>(۹)</sup>، محمد بن جعفر المشهدی<sup>(۱۰)</sup>، ابوالحسن یحیی بن بطریق<sup>(۱۱)</sup>، محمد بن

۱- بحارالانوار: ۱۱۰ / ۵۲. ۲- الصحیفة السجادیة الجامعة: ۶۵۳.

۳- همان: ۶۵۱. ۴- همان: ۶۵۱. ۵- همان: ۶۷۹.

۶- همان: ۶۷۳. ۷- همان: ۶۳۸. ۸- همان: ۶۵۳.

۹- همان: ۶۵۸. ۱۰- همان. ۱۱- همان: ۶۲۲.

محمد بن هارون<sup>(۱)</sup> و شاذان بن جبیرئیل<sup>(۲)</sup> نیز روایت کرده است.

(۳) ابن نما<sup>(۳)</sup>

ابن نما همچنین از شیخ ابی الحسن علی بن خیاط به نقل از عربی بن مسافر روایت صحیفه نموده است.<sup>(۴)</sup>

(۴) المحقق<sup>(۵)</sup>

در اجازه‌ی روایت علامه محمدتقی مجلسی به محمد صادق کرباسی در بحارالانوار (۱۱۰ / ۷۹) آمده است که: «ح [حیلولة]: عن المحقق، عن أبيه و ابن نما و ابن ادریس». البته مسلم است که محقق در سال ۶۷۶ درگذشته و قاعده نمی‌تواند روایت مستقیم و بلاواسطه‌ای از ابن ادریس (متوفی سنه ۵۹۸) داشته باشد.

## ۶- حاشیه ابن ادریس بر صحیفه

### ۶-۱. صحت انتساب رساله

آن چه در نگاه اول در کتب تراجم و فهارس مصنفات علما و مصادر کتابشناسی به نظر می‌رسد، عدم انتساب نگارش کتابی با عنوان «حاشیه الصحیفه السجادیة» و یا عنوانی مشابه به ابن ادریس است. اما وجود قرینه‌هایی، صحت انتساب این کتاب به ابن ادریس را اثبات می‌کند، از جمله:

□ عنایت ویژه ابن ادریس به کتابت صحیفه سجادیه و دقت نظر وی در این باب و حواشی وی با رمز (سین) و (خ س) که تفصیل آن گذشت.

□ وجود ابن ادریس در سلسله سند صحیفه کامله، آن هم به طرق مختلف که ذکرش گذشت.

□ تصریح کاتب نسخه‌ی منحصر به فرد این رساله در انتها که آورده است «تمت



۱- همان: ۶۶۹. ۲- همان: ۶۷۰.

۳- همان: ۶۷۳؛ در روضات الجنات: ۲ / ۱۹۷ نیز ابن ادریس را از جمله مشایخ ابن نما برشمرده است.

۴- همان: ۶۵۸. ۵- همان: ۶۷۴.



حاشیه ابن ادريس على الصحيفة السجادية». با توجه به عنایت ویژه‌ای که ابن ادريس حلی به صحیفه سجادیه داشته، می‌توان مطمئن شد که مراد وی از ابن ادريس، همان محمد بن منصور بن احمد ادريس حلی مشهور است.

□ اهتمام به مباحث لغوی، از دیگر قرائین است. چرا که ابن ادريس در کتاب مشهور خود - السرائر - به مباحث لغوی پرداخته و در این مسأله، از کتب فراوانی چون الأبواب اصمعی، المجمعل ابن فارس، الجمهرة ابن درید، الکامل و الاشتقاقات مبرد، العین فراهیدی، النوادر ابن الاعرابی و به طور خاص از الصحاح جوهری بهره برده است. □ در شرح لغات صحیفه‌ی سجادیه، تنها منبع مورد استفاده‌ی ابن ادريس، کتاب الصحاح است و این عنایت ویژه به کتاب الصحاح، در السرائر نیز به چشم می‌خورد.

## ۶-۲. روش ابن ادريس

ابن ادريس خود در مقدمه کتاب، هدف از تألیف این کتاب را این گونه بیان می‌دارد:

«كان فيها الفاظ لغوية لكل احد لا تفهم و كلمات يحتاج في فهم معانيها الى ان

يترجم، فکتبت»

بنابراین ابن ادريس با شرح آن دسته از مفردات و کلماتی در صحیفه سجادیه که فهم آن برای عموم مشکل است، با توضیحی مجمل و روان - آن هم براساس ترتیب ادعیه و خارج از هرگونه شیوه‌های معمول معجمی - اقدام به نگارش این اثر پرداخته است. در این رساله، حدود ۶۰۰ لغت در قالب ۵۴ دعا - البته به غیر از دعای شماره ۱۱ و ۳۸ - توضیح و تفسیر شده است.

ابن ادريس در بیان لغت مورد نظر، خود را محدود به ذکر عین کلمه موجود در صحیفه نکرده و گاهی با بیان مصدر و یا شکل فعلی و یا اسمی لغت، به شرح و توضیح آن پرداخته است.

تنها مصدر لغوی که ابن ادريس از آن در نگارش این اثر بهره برده، کتاب «الصحاح فی اللغة» جوهری است. وی در مقدمه‌ی این کتاب بیان می‌دارد که آن دسته از توضیحاتی که از خود اوست، با رمز (سین) و آن چه که از مصادر دیگر بهره برده، به گونه‌ای رمزی،

در انتهای کلام مشخص کرده است. و تنها رمزی که وی به کار برده، حرف ص (صاد) است که نشانه اختصاری کتاب صحاح اللغة جوهری است.

#### ۶-۳. نسخ موجود از این رساله

تنها نسخه موجود از این کتاب، نسخه شماره ۴ / ۱۴۸۴۹ آستان قدس رضوی است که به خط نسخ، در غره جمادی الاول ۱۰۸۸ قمری در ۱۰ برگ ۲۵ سطری کتابت شده است. این نسخه را، سید محمدباقر سبزواری وقف کتابخانه آستان قدس رضوی کرده است.

مرحوم آقا بزرگ تهرانی نسخه دیگری از این کتاب را به خط شیخ عبدالرحیم بن محمد علی تستری (از شاگردان علامه انصاری، متوفی ۱۳۱۳) گزارش می دهد که تاریخ کتابت آن سال ۱۳۰۵ قمری است و از روی نسخه آستان قدس رضوی کتابت شده است.<sup>(۱)</sup>

#### ۶-۴. بخشی از متن کتاب (مقدمه و دعای اول و دوم صحیفه)

الحمد لله الذي جعل الدعاء عبادة و ندب اليه، و وعد الداعين الاجابة و حسن المآب و الزلفى لديه. و جعل ترك الدعاء استكباراً و توعد عليه، فقال سبحانه في كتابه المبين، ترغيباً للداعين و ترهيباً للمستكبرين: «ادعوني استجب لكم و ان الذين يستكبرون عن عبادتي سيدخلون جهنم داخرين». و كان اعظم ما يتداول بين المتعبدين، الصحيفة المنقولة عن سيد العابدين عليه السلام، اذ هي حلاوة ثمرة اصلها سيد المرسلين و نفس نفس متصلة بحضرة قدس رب العالمين. و كان فيها الفاظ لكل احد لا تفهم و كلمات يحتاج في فهم معانيها الى ان يترجم. فكتبت على بعض منها شيئاً عشرت عشرة في كتب اللغة عليه. كتبت في آخر كل كلام حرفاً من حروف الكتاب الذي اخذت منه، ليتنبه الناظر اليه. و ان كان مني، كتبت شيئاً. و اختصرت ذلك اختصاراً مبيناً.

## دَعَاؤُهُ إِذَا ابْتَدَأَ بِالدَّعَاءِ

النعته: الصفة (ص)؛ (١)

الوهم: فعل احد القوى الباطنة، من الحافظة والذاكرة و المتخيلية و الواهمة (س)؛  
ابتدع الشيء و اخترعه: اذا صنعه عن غير مثال (ص)؛ (٢)

استيعاب الشيء: استيصاله (ص)، بحيث لم يبق منه شيء من الآلاء النعم، (ص)؛  
البرزخ: ما بين الدنيا و الآخرة من الموت الى البعث. فمن مات دخل في البرزخ  
(ص)؛ (٣)

برق البصر: بالكسر يبرق برقا اذا تحير فلم يطرف. فاذا قلت برق بالفتح، فانما تعنى  
بريقه اذا شخص (ص)؛ (٤)

تضام القوم: اذا انضم بعضهم الى بعض (ص)؛ (٥)

الرافة: أشد (٦) الرحمة (ص)؛ (٧)

جشمته الأمر تجشيمًا: إذ كلفته اياه (ص)؛ (٨)

الظهير: المعين. و الظهيرة: الهاجرة (ص)؛ (٩)

## دَعَاؤُهُ بَعْدَ التَّحْمِيدِ

ذراً الله الخلق يذرءهم ذرءاً: خلقهم (ص)؛ (١٠)

الحامة: الخاصة، يقال: كيف الحامة و العامة. و هؤلاء حامة فلان أي اقرباؤه  
(ص)؛ (١١)

اسرة الرجل: رهطه (١٢). و رهط الرجل: قومه و قبيلته. و الرهط: مادون العشرة من  
الرجال لا تكون فيهم امرأة (ص)؛ (١٣)

١ - الصحاح: ١ / ٢٦٩.	٢ - همان: ٣ / ١١٨٣.	٣ - همان: ١ / ٤١٩.
٤ - همان: ٤ / ١٤٤٩.	٥ - همان: ٥ / ١٩٧٢.	٦ - نسخه: شد.
٧ - همان: ٤ / ١٣٦٢.	٨ - همان: ٥ / ١٨٨٨.	٩ - همان: ٢ / ٧٣١.
١٠ - همان: ١ / ٥١.	١١ - همان: ٥ / ١٩٠٧.	١٢ - همان: ٢ / ٥٧٩.
١٣ - همان: ٣ / ١١٢٨.		

- دأب فلان في عمله: أي جدّ و تعب (ص)؛<sup>(١)</sup>  
استتب الأمر: أي تهيأ و استقام (ص)؛<sup>(٢)</sup>  
نهد الى العدو و ينهد بالفتح: أي نهض (ص)؛<sup>(٣)</sup>  
العقر: القصر و كل بناء مرتفع (ص)؛<sup>(٤)</sup>  
الكدح: العمل و السعي، يقال: هو يكدح في كذا، أي يكدّ فيه (ص).<sup>(٥)</sup>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

۳- همان: ۲ / ۵۴۵.

۲- همان: ۱ / ۹۰.

۱- همان: ۱ / ۱۲۳.

۵- همان: ۱ / ۳۹۸.

۴- همان: ۲ / ۷۵۵.